

## بررسی نقش شخصیت و رفتارهای اخلاقی دبیران معارف اسلامی در الگوپذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه

علی‌اشرف حیدری\* / عباسعلی شاملی\*\*

### چکیده

از مهم‌ترین ویژگی‌های دانش‌آموزان متوسطه، الگوپذیری از معلمان درس معارف اسلامی است. در این پژوهش، محقق با نظرخواهی از دانش‌آموزان، به بررسی نقش رفتارهای اخلاقی دبیران معارف اسلامی در الگوپذیری اخلاقی دانش‌آموزان، شیوه درست و مؤثر برخورد و تعامل دبیران معارف اسلامی با دانش‌آموزان پرداخت. محقق در این پژوهش، افزون بر مطالعات کتابخانه‌ای، با اجرای پرسش‌نامه محقق‌ساخته، به انجام مطالعات میدانی اقدام کرده است. جامعه آماری، ۱۵۹۲۴ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه آموزش و پرورش ناحیه یک شهرستان خرم‌آباد بوده است. نمونه آماری بر اساس فرمول کوکران به تعداد ۳۱۲ نفر تعیین شد، ولی برای ارتقای دقت پژوهش این آمار به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، جامعه آماری تعیین، و پژوهش در میان آنان به اجرا درآمد. حاصل این پژوهش این است که، خوش‌خلقی دبیران معارف اسلامی، از میان تمام عوامل ذکرشده مؤثر در الگوپذیری دانش‌آموزان، بالاترین میزان تأثیرگذاری را دارد.

کلیدواژه‌ها: الگوپذیری رفتارهای اخلاقی، دانش‌آموزان مقطع متوسطه، دبیران معارف اسلامی.

---

\* دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته اخلاق دانشگاه پیام نور. دریافت: ۸۸/۹/۲۹ - پذیرش: ۸۸/۱۰/۲۲

\*\* استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌قدس‌سره.

## مقدمه

پژوهش در قلمرو تربیت اخلاقی با رویکردی اسلامی و تلاش برای رسیدن به الگویی کاربردی - که هماهنگ با آموزه‌ها و مبانی جهان‌بینی و ارزشی اسلام باشد و از سویی بتواند در یک محیط تربیتی اسلامی به کار آید - نیازمند پاسخ به پرسش‌های اساسی بسیاری است؛ پاسخ‌هایی که هر کدام یک پژوهشی جداگانه می‌طلبد.<sup>۱</sup>

یکی از عوامل مهم و اثرگذار بر شکل‌گیری و دگرگونی‌های شخصیت انسان، شرایط مختلف محیطی اعم از زمان، مکان و یا محیط انسانی و اجتماعی است. در بسیاری از موارد، تغییر محیط و فراهم ساختن محیط تربیتی مساعد و مناسب، می‌تواند رفتار و افکار و خصلت‌های متربی را تغییر دهد و ویژگی‌های جدیدی را در وی جایگزین سازد. مبنای روان‌شناختی این روش، اصل تأثیرپذیری انسان از شرایط محیطی است که در ضمن نظریه یادگیری اجتماعی بیان می‌شود.<sup>۲</sup>

آلبرت بندورا،<sup>۳</sup> از واضعان نظریه یادگیری اجتماعی، مهم‌ترین نوع یادگیری انسان را یادگیری مشاهده‌ای می‌داند که همان تقلید و سرمشق است. در این نوع یادگیری، فرد با انتخاب یک الگو یا سرمشق، به تقلید رفتار او می‌پردازد.<sup>۴</sup> پدر و مادر و پس از آن، معلمان و مربیان از جمله نخستین الگوهای متربیان هستند.

نکته تربیتی مهم این است که افرادی که دارای موقعیت مهم، موفقیت زیاد، دانش و تخصص بالا و یا دارای تعالی معنوی هستند، غالباً نظر دیگران را به خود جلب می‌کنند و برای آنان سرمشق می‌شوند. خوشبختانه در نظر دانش‌آموزان، غالباً معلمان دارای این ویژگی‌ها - یا برخی از آنها - هستند.<sup>۵</sup> با توجه به اهمیت و نقش انکارناپذیری که برای الگوپذیری ذکر شده است، در این مقاله به بررسی نقش شخصیت و رفتارهای اخلاقی دبیران معارف اسلامی در الگوپذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه و تعیین میزان اهمیت هر کدام از شاخص‌های مطرح

شده و موثر در الگوپذیری مانند میزان تحصیلات، میزان تجربه، آراستگی ظاهری، میزان توجه به آداب، سنن، اعتقادات دینی و شیوه تدریس دبیران پرداخته شده است.

### هدف از اجرای پژوهش

«رابطه معلم و دانش‌آموز یک رابطه باطنی و معنوی است؛ دانش‌آموز معلم را شخصیتی محترم و ممتاز می‌داند که با روح و جان وی سروکار دارد. به همین دلیل، به منزله الگوی محبوب و مطاع پذیرفته می‌شود. از این‌روی، دانش‌آموزان معلم را در مقام یک الگو می‌پذیرند و از رفتار، گفتار و اخلاق او سرمشق می‌گیرند».<sup>۱</sup> این اثرگذاری تا آنجا است که برخی می‌گویند: «بیشتر معلمان در ذهن دانش‌آموزان خود تأثیری عمیق می‌گذارند که سال‌ها ادامه دارد».<sup>۲</sup>

در این میان، از دبیران معارف اسلامی (دینی و قرآن) به دلیل خاطر محتوای دروسی که تدریس می‌کنند، انتظاری بیشتر می‌رود که نقش مهم‌تری را بر عهده گیرند و باید بکوشند تا میان گفتار و کردارشان هماهنگی باشد.

برخی از صاحب‌نظران معتقدند بیشترین موفقیت در درس دینی، در گرو

شخصیت معلم دینی است تا برنامه درسی.<sup>۳</sup>

ما در این مقاله در پی آنیم که با بررسی نظر دانش‌آموزان مقطع متوسطه به مثابه افرادی که ارتباط مستقیم و با دبیران دارند و از آنها تأثیر می‌پذیرند به این اهداف دست یابیم:

۱. پی بردن به میزان تأثیر آراستگی ظاهری دبیران معارف اسلامی در الگوپذیری اخلاقی دانش‌آموزان از آنان؛
۲. مشخص کردن سطح الگوپذیری اخلاقی دانش‌آموزان از دبیران دین و زندگی به تناسب سطح تحصیلات آنان؛

۳. بررسی سطح الگوبرداری اخلاقی دانش‌آموزان با توجه به میزان پایبندی دبیران دین و زندگی به آداب، سنن و اعتقادات دینی و مذهبی؛
۴. دستیابی به میزان الگوپذیری دانش‌آموزان از دبیران دین و زندگی با توجه به شیوه تدریس آنان؛
۵. تعیین مهم‌ترین عامل اثرگذار بر الگوبرداری اخلاقی دانش‌آموزان مقطع متوسطه از دبیران دین و زندگی؛
۶. دستیابی به نتایجی که بتواند راهنمای خوبی برای مسئولان وزارت آموزش و پرورش برای برنامه‌ریزی درباره تربیت اخلاقی دانش‌آموزان مقطع متوسطه و همچنین دبیران، به ویژه دبیران جوان آموزش و پرورش در نحوه تعامل آنان با دانش‌آموزان باشد.

### ضرورت تربیت اخلاقی در اسلام

بی‌تردید همه انسان‌ها در جست‌وجوی رسیدن به کمال و سعادت هستند؛ اما اینکه کمال و سعادت انسان در چیست، انسان‌ها یک پاسخ ندارند و به دسته‌ها و گروه‌های متعددی تقسیم می‌شوند. گروهی از انسان‌ها به دلیل اعتقاد نداشتن به مبانی دینی، سعادت خویش را در محدوده نظام مادی و دنیوی مانند کسب ثروت، شهرت یا قدرت می‌دانند که بدان اشاره می‌شود. برخی نیز کمال خود را در برخورداری از امکانات مادی می‌دانند؛ مانند گروهی از قوم موسی علیه السلام که گفتند: «یا لیت لنا مثل ما اوتی قارون انه لذو حظّ عظیم ای کاش ما هم مثل آنچه به قارون داده شده است داشتیم. به راستی که او بهره عظیمی - از نعمت‌ها - دارد»؛ (قصص: ۷۹)

گروهی سعادت و کمال خویش را در برخورداری از دانش‌های مادی می‌دانند و به آن شادمانند: «فرحوا بما عندهم من العلم؛ و تنها به معلوماتی که خود داشتند



رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز درباره اهمیت سازندگی اخلاقی می‌فرماید: «من مبعوث شدم تا مکارم اخلاقی را در نفوس انسان‌ها تکمیل کنم».<sup>۱۰</sup>

پیامبران آمده‌اند تا راه تزکیه و تهذیب نفس و تخلق به اخلاق نیک و اجتناب از اخلاق زشت را به انسان‌ها بیاموزند؛ آمده‌اند تا بذر فضائل و مکارم را در نفوس انسان‌ها پرورش دهند و از آلوده شدن آنان به رذائل اخلاقی جلوگیری کنند.

بنابراین، تربیت اخلاقی باید در رأس برنامه‌های تربیتی قرار گیرد. البته تربیت اخلاق نیک و مبارزه با ناهنجاری‌های اخلاقی کار آسانی نیست، ظریف، فنی و دشوار بلکه کاری است که توفیق در آن، به همکاری و جدیت دانشمندان علوم اخلاق، روان‌شناسی و تعلیم و تربیت از یک طرف، و اولیا و مربیان از طرف دیگر نیاز دارد.

#### تربیت الگویی در اسلام و اهمیت آن

در اسلام، برای راهنمایی و رشد انسان‌ها، و در نهایت رساندن آدمیان به کمال نهایی، به نقش و اهمیت الگو تأکید زیادی شده است. نمونه‌های ذکر شده در قرآن و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومان صلوات الله علیهم دلیل محکمی بر این مدعاست.

قرآن کریم در اسوه‌پردازی به دو شیوه عمل می‌کند؛ یکی آنکه به صورت مستقیم و صریح، چهره‌ها و شخصیت‌هایی را به منزله الگو مطرح می‌کند و دیگران را متوجه آنها و پیروی از رفتارشان می‌سازد. برخی از شخصیت‌های والایی که دعوت به اقتدای از رفتار آنها شده است عبارتند از: الف) رسول خدا صلی الله علیه و آله در آیه ۲۱ از سوره احزاب: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن یرجوا الله و الیوم الاخر؛ برای شما در (زندگی) رسول خدا سرمشق

نیکویی بود. برای آنها که امید به (رحمت) خدا و روز رستاخیز دارند». در اینجا رسول الله صلی الله علیه و آله الگویی شایسته برای باورمداران خدا و قیامت معرفی شده است؛ ب) حضرت ابراهیم علیه السلام در آیه ۴ از سوره ممتحنه: «قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم؛ برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم وجود داشت».

گاهی نیز قرآن به طرح جلوه‌های زیبایی از رفتار و منش انسانی یک قوم یا گروه می پردازد، ولی به طور مستقیم به تأسی از آنها دعوت نمی کند؛ مانند آسیه همسر فرعون، اصحاب کهف و امت پیامبر. در حقیقت، این آیات از طریق معرفی صفات پسندیده، دارندگان این ویژگی‌ها را شایسته الگو قرار گرفتن عنوان کرده است. برای مثال، انگیزه قرآن کریم از نقل حکایت حضرت موسی علیه السلام و برخورد وی با فرعون و فرعونیان و یا مقاومت حضرت یوسف علیه السلام در برابر کشش‌های نفس اماره و نیز سرسختی برخی اهل ایمان در برابر مشرکان و معاندان، به منظور ارضای حس کنجکاو و چون و چرای غریزی انسان‌ها نیست؛ بلکه تذکری است به صاحبان خرد و اندیشه که الگوهای عملی و عینی را در گذرگاه زمان بشناسند و به آنها تأسی جویند؛ قرآن می فرماید: «کنتم خیر امه اخرجت للناس؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شدید» (آل عمران: ۱۱۰).

در فرهنگ اسلامی و به ویژه در قرآن کریم، الگوها اعم از مثبت یا منفی، به مرد یا زن منحصر نمی گردد. ملاک و میزان در اینجا «انسان» است نه جنسیت. بنابراین، همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت ابراهیم علیه السلام الگوهای تمام مردان و زنان جهانند، زهرای مرضیه و مریم عمران نیز الگوهای تمامی مردان و زنان جهان به شمار می آیند.

اسلام از کسانی که در مقام الگو قرار می گیرند، می خواهد که با رفتار خود،

دیگران را اصلاح کنند امام علی علیه السلام در این بار می فرماید: «هر کس خودش را در جایگاه پیشوایی و رهبری مردم قرار داد، لازم است قبل از تعلیم دیگران نفس خودش را اصلاح کند؛ باید تأدیب و تربیت او به وسیله رفتار، قبل از تأدیب با زبانش باشد. کسی که معلم و تأدیب‌کننده نفس خویش باشد، شایسته‌تر به احترام است». امام صادق علیه السلام نیز در اهمیت الگو و نقش آن در سازندگی دیگران می فرماید: «کونوا دعاء الناس بأعمالکم و لا تکونوا دعاء بألسنتکم؛ (مردم را با رفتار، به حق، رهبری کن نه با زبان خویش)».

به جز متون دینی و اسلامی، در متون ادب فارسی در موارد بسیاری اهمیت و نقش انکارناپذیر الگو و اسوه در الگوپذیری انسان و اثر آن به کردار، گفتار، زندگی، سعادت و شقاوت وی در قالب‌های متفاوتی مانند داستان، شعر، حکایت، تمثیل، کلمات قصار و ضرب‌المثل‌ها بیان شده است. در این متون، توصیه‌های فراوانی در زمینه معاشرت با نیکان و سرمشق قرار دادن آنها دیده می‌شود. مرور این قطعه‌های ادبی خواننده را به این باور می‌رساند که در همه این متون، بر این نکته تأکید شده است که طبع آدمی از دیگران تأثیر می‌پذیرد.

نمونه‌های کوتاه زیر، بخش کوچکی از این گنج گران‌بهاست:

|                            |   |
|----------------------------|---|
| پسر نوح چون با بدان بنشست  | خان‌دان نبوتش گم شد                     |
| سگ اصحاب کعبه روزی چند     | پی نیکان گرفت و مردم شد                 |
| گلی خوشبوی در حمام روزی    | رسید از دست محبوبی به دستم              |
| بدو گفتم که مشکی یا عبیری  | که از بوی دلاویز تومستم                 |
| بگفتم من گلی ناچیز بودم    | ولیکن مدتی با گل نشستم                  |
| کمال هم‌نشین در من اثر کرد | ورنه من همان خاکم که هستم <sup>۱۳</sup> |

همچنین پروین اعتصامی در چند مورد به الگوپذیری و خوگرفتن از اسوه و هم‌نشین اشاره داشته است:



|                                   |                               |
|-----------------------------------|-------------------------------|
| هر که با پاکدلان صبح و مسایی دارد | دلش از پرتو اسرار، صفایی دارد |
| گرت اندیشه‌ای ز بد نامیست         | منشین با رفیق ناهموار         |
| هر که با اهریمنان دمساز شد        | در همه کردارشان انباز شد      |

با دقت نظر در ابیات ذکرشده، به منزله نمونه‌هایی از تأکید بزرگان شعر و شاعری درباره تربیت الگویی، و نقش همنشین در سازندگی اخلاقی افراد و یا تأثیر منفی و نامطلوبی که الگو و اسوه می‌تواند بر رفتار و اخلاق آدمی داشته باشد، اهمیت الگوپذیری اخلاقی بیشتر ثابت می‌گردد. از این‌رو، تا معلمان دینی و قرآن ما باید به نقش انکارناپذیر خود بیشتر واقف شوند و به سرنوشت فرزندان این مملکت که به مثابه امانت‌هایی ارزشمند در اختیار آنها هستند، حساس‌تر شوند و در نحوه برخورد و تعامل اخلاقی با آنها رسالت مهم خود در سازندگی اخلاقی دانش‌آموزان را فراموش نکنند.

**اهمیت تربیت اخلاقی در مقطع متوسطه و نقش آن در سازندگی اخلاقی دانش‌آموزان**  
این دوره تحصیلی بخشی از نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران است که آموزش عمومی را به آموزش عالی پیوند می‌دهد، بنابراین، هر نوع نارسایی در آن، به طور مستقیم در عملکرد و کیفیت مراحل قبل و بعد از آن تأثیر بسزایی خواهد داشت. دانش‌آموزان این مقطع تحصیلی، تقریباً مرحله نوجوانی اولیه را گذرانده و به مرحله نوجوانی دوم و شاید جوانی اولیه وارد شده‌اند. از مهم‌ترین ویژگی‌های دانش‌آموزان این دوره، دور شدن از دوران کودکی و داشتن احساس استقلال فکری و عاطفی است. در این دوره، غریزه جنسی بیدار و شکوفا می‌شود و نوجوانان نیاز شدید به یک راهنمای عاقل، مهربان و باتدبیر دارند. این راهنما می‌تواند برنامه زندگی آینده و راه صحیح را برای آنها ترسیم کند و از انحراف‌های احتمالی آنان جلوگیری کند.

نوجوانی و جوانی دوره استقلال‌طلبی، آینده‌نگری، خودسازی، شور، عشق، امید، نشاط، تحرک، تهور، تخیل، تلاش و کنجکاوی است. جوان در این دوران بحرانی و پرتلاطم به یک راهنمای باتجربه، خیرخواه، دلسوز و با تدبیر نیاز دارد که موقعیت حساس، عواطف و خواسته‌های درونی او را بخوبی درک کند و نتیجه تجربیات خود را مخلصانه در اختیار او قرار دهد؛ در کارها با او مشورت کند و در حل مشکلات زندگی به یاریش بشتابد.

از نگاه نگارنده، بهترین نهادی که می‌تواند این خلأ را پر کند و در این موقعیت حساس به یاری جوانان بشتابد، مدرسه است. مدرسه جایگاه مهمی است و مسئولیت سنگینی را بر عهده دارد. کار مدرسه، در آموزش دانش‌آموزان و انتقال برخی مفاهیم علمی و کلاسیک به آنان خلاصه نمی‌شود، بلکه این نهاد مسئولیت سنگین‌تری نیز بر عهده دارد که عبارت است از تربیت معنوی و اخلاقی دانش‌آموزان و پیشگیری از وقوع انحراف و فساد در میان آنان.<sup>۱۴</sup>

نقش معلم در مقام الگو در شکل‌گیری شخصیت اخلاقی دانش‌آموزان شاید مهم‌ترین نقش معلم، سرمشق بودن وی برای دانش‌آموزان است.<sup>۱۵</sup> از عوامل مهمی که نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در تربیت دارد، محیط آموزشی یا مدرسه است که چهره شاخص یا نماینده برجسته آن معلم است. آنچه در فرایند تعلیم و تربیت به متعلم انتقال می‌یابد، تنها معلومات و مهارت‌های معلم نیست، بلکه تمام صفات، خلیات، حالات نفسانی و رفتارهای ظاهری او نیز به شاگردان منتقل می‌شود. بر همین اساس بود که بزرگان و اندیشه‌وران، در انتخاب استاد، بسیار دقیق بودند.<sup>۱۶</sup>

اصلاح و تربیت به ندرت به صورت خودبه‌خود پدید می‌آید؛ این فرایند بیشتر با تلاشی آگاهانه انجام می‌گیرد. هر معلمی می‌تواند از برخوردهایی که بیگانگی ایجاد می‌کند، کلمات اهانت‌آمیز و اعمال رنجش‌آور آگاه شود. او

می‌تواند در ارتباطش با دانش‌آموزان احتیاط کند و کمتر آزارنده و تحریک‌کننده باشد. معلم نمی‌تواند از تابوهای امتحان‌نشده پشتیبانی کند؛ او نمی‌تواند در گرو تعصباتی باشد که ذهن را فلج می‌کنند، و به احساساتی متوسل شود که ناامیدکننده باشید. معلم برای اینکه دنیا را از دید دانش‌آموزان بنگرد، باید انعطاف عاطفی بی‌حد و حصری داشته باشد و فاصله زمانی و ذهنی کوکان و افراد بالغ را از هم جدا کند. برای از بین بردن این فاصله، می‌توان فقط از همدلی خالصانه استفاده کرد.<sup>۱۷</sup>

هر کس تقویت‌کننده‌ها را در اختیار داشته باشد، می‌تواند سرمشق خوبی برای دیگران باشد. معلمان تقویت‌کننده‌های بسیاری را در اختیار دارند؛ مانند نمره درسی و یا تشویق‌های مختلف دیگر که به دست آوردن آنها برای شاگرد، به معنای کسب حیثیت و اعتبار اجتماعی، افتخار و سربلندی است. یک معلم مهربان و مومن به کار خود، می‌تواند سرمشقی بسیار خوب برای دانش‌آموزان کلاس خود باشد. چنین معلمی به زودی خواهد دید که دانش‌آموزان از رفتار، گفتار او تقلید می‌کنند. بنابراین، با استفاده از این ویژگی می‌تواند گفتار، رفتار و کارهای آنان را هدایت کند.<sup>۱۸</sup>

هیچ سازمان تربیتی، در هیچ شرایطی نمی‌تواند اهمیت و ارزش معلم را انکار کند؛ در این صورت، ارزش انسانی را انکار کرده است. چنان‌که ارسطو می‌گوید: «کسانی که کودکان را تربیت می‌کنند، باید بیش از افرادی که آنان را بار می‌آورند مورد احترام قرار بگیرند؛ زیرا اینان به کودک تنها زندگی می‌بخشند، در حالی که معلمان، هنر زیستن را به او یاد می‌دهند».<sup>۱۹</sup>

ویژگی‌ها و صفات شخصیتی معلم نقش بسزایی در شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموز دارد. وی با پذیرش رفتارهای معلم در مقام یک الگو، هویت اجتماعی متزلزل خویش را استحکام می‌بخشد. اگر معلم دارای صفات انسانی مانند

مهرورزی، نوع دوستی، درستکاری، همکاری، خویشتن‌داری و ایمان باشد، تقلید چنین ویژگی‌هایی، سلامت روانی دانش‌آموز را تضمین خواهد کرد؛ اما ولی اگر شخصیت معلم دچار اختلال و نابسامانی باشد، یعنی رفتارهایی خلاف هنجارهای فرهنگی و اجتماعی انجام دهد و یا فاقد صفات اسلامی و انسانی باشد، در چنین وضعی همانندسازی دانش‌آموز از معلم، حاصلی جز رفتارهای نابهنجار نخواهد داشت. بدیهی است دانش‌آموز می‌تواند ناسازگاری‌ها را از معلم ناسازگار و سازگاری‌ها را از معلم سازگار تقلید کند.

بر اساس یافته‌های علمی، رفتار و اخلاق معلم در ساختار شخصیت اخلاقی دانش‌آموزان هم تأثیر منفی دارد هم تأثیر مثبت. بر همین اساس، معلم باید بکوشد در رفتار و اخلاق خود، سعادت دانش‌آموزان را در نظر بگیرد، و در تمام برنامه‌ریزی‌های تربیتی و اخلاقی به ایجاد رفتار مطلوب در متربیان توجه کند.

#### **ایجاد رفتارهای مطلوب در دانش‌آموزان از راه الگوپذیری**

در روش تربیت الگویی، هدف اصلی، آموزش و بسترسازی برای ظهور رفتارهایی است که پیش از این دانش‌آموز از آن بی‌بهره بوده است. یکی از این روش‌ها، الگوپذیری است؛ روش یادگیری الگویی و سرمشق‌گیری اخلاقی از طریق مشاهده رفتار دیگران، یکی از راه‌های بسیار معمول یادگیری، به ویژه در دانش‌آموزان است. بسیاری از اعمال و رفتار فرزندان از طریق تقلید رفتار و اعمال بزرگسالانی چون والدین، برادران و خواهران بزرگتر و معلمان آموخته می‌شود. معلمان باید آگاه باشند که خود آنان مهم‌ترین الگوی یادگیری برای دانش‌آموزان هستند و این الگودهی، بیش از گفتار در رفتار آنان نهفته است.

معلمی که خود از قوانین پیروی می‌کند، نشان می‌دهد که باید از قوانین پیروی کرد. تأثیر معلمان بر رفتارهای دانش‌آموزان از راه الگوبرداری، هم جنبه مثبت دارد و هم جنبه منفی. بنابراین، معلمی که با دانش‌آموزان خود با فریاد صحبت می‌کند، باید انتظار داشته باشد که دانش‌آموزان او نیز در برخورد با همدیگر همین روش را به کار برند. معلم تعلیم‌دیده و آگاه، دانش‌آموزان را دوستان ساده و معمولی خود به شمار نمی‌آورد. او دانش‌آموزان را انسان‌هایی پیچیده می‌داند که می‌توانند از چیزی نفرت داشته باشند؛ چیزی را دوست بدانند و دمدمی مزاج باشند.<sup>۲۱</sup>

دانش‌آموز اگر ویژگی اخلاقی، ادب، رفتار، کار و یا عقیده‌ای را می‌پسندد و آن را به کار می‌گیرد، از آدمی که صاحب آن است، به همراه قبول همان آدم، در خود پذیرفته است و اگر بخواهیم دانش‌آموز را از آن صفت یا رفتار دور سازیم، چاره‌ای نداریم جز آنکه به تدریج اسوه‌ای با صفات مناسبی که می‌خواهیم در متعلم به وجود آید، در نظر دانش‌آموز نمایش دهیم، عزیز بدانیم و بزرگ کنیم تا علاقه فرد را به او جلب کنیم.<sup>۲۲</sup>

بنابراین، پرسش اساسی این است که اگر خواهان اصلاح و بهبود روابط موجود در کلاس هستیم، باید از کجا شروع کنیم؟ چگونگی ارتباط معلم با دانش‌آموز اهمیتی حیاتی دارد. نوع این ارتباط تأثیر مثبت یا منفی بر شخصیت دانش‌آموز می‌گذارد. معلمانی که خواهان اصلاح روابطشان با دانش‌آموزان هستند، باید آن گفتار همیشگی را که رنگ و بوی طرد دارد، کنار بگذارند و گفتار تازه و مورد پذیرش را فرا گیرند و بکار ببندند. معلم برای اینکه به ذهن دانش‌آموز راه یابد، ابتدا باید به دل او راه پیدا کند. دانش‌آموز زمانی می‌تواند درست فکر کند که درست احساس شود.<sup>۲۳</sup>

### ویژگی‌های معلمان موفق دینی

با توجه به اهمیت نقش معلم دینی و لزوم داشتن ویژگی‌های خاص فردی که عهده‌دار شغل مقدس معلمی درس دینی و قرآن می‌شود، باید به رسالت مهم خود که همانا کمک به دانش‌آموزان در جهت شناخت راه درست خوشبختی و سعادت واقعی است، توجه داشته باشد؛ زیرا اسلام معلم و متعلم را نسبت به هم، چون پدر و فرزند، طیب و بیمار، مراد و مرید، کشاورز و زمین دانسته و به‌طور ویژه برای این نسبت‌ها جنبه معنوی و روحانی قائل شده است و با توجه به همین جنبه، فضای حاکم بر روابط معلم و متعلم را مقدس شمرده است. همچنین آلوده کردن این رابطه پاک و مقدس برای مطامع دنیوی را ناروا می‌داند. از این‌روی، رو اهمیت و کار معلم دینی بیشتر، و حساسیت آن چند برابر نمایان می‌گردد.

«معلمان موفق کسانی هستند که در دو عامل مهم، جذب و تدریس دانش‌آموزان به موفقیت نایل گردند. آنان برای جذب دانش‌آموزان باید از سه عنصر مقبولیت، محبوبیت و موفقیت برخوردار باشند. اگر معلم دینی و قرآن قدرت ایجاد رابطه روحی و عاطفی را با دانش‌آموزان داشته باشد و آنها برتری‌های محسوسی را در شخصیت معلم مشاهده کنند - به طوری که او را به عنوان راهنمایی آگاه و دلسوز بپذیرند و قلباً نیز به او عشق بورزند - مجذوب وی می‌گردند».<sup>۲۴</sup>

«مربی - معلم دین و زندگی - هنگامی در کار تربیتی خود، به ویژه در برخورد با جوان موفق است که بتواند پل ارتباطی تفاهم‌آمیز و افقی ایجاد کند؛ آن‌سان که مربی احساس کند مربی نه تنها از دانش تربیتی برخوردار است، بلکه حتی ابعاد و ویژگی‌های شخصیتی و منزلت مربی خود را نیز به خوبی شناخته و درک کرده و از این‌رو می‌تواند به گرمی با او ارتباط برقرار کند».<sup>۲۵</sup>

امروزه معلمان و به ویژه معلمان دینی را باید کارگزاران اصلی نظام تعلیم و تعلم دانست، زیرا آنچه دانش‌موزان کسب می‌کنند، متأثر از خصوصیات، کیفیات، شایستگی علمی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی معلمان، به‌ویژه معلم دینی است که افزون بر داشتن تمام خصوصیات و وظایف سایر معلمان و مسئولیت تربیتی و اخلاقی دیگران، با توجه به فراخور محتوای درسی که تدریس می‌کند و نگرشی که بیشتر دانش‌آموزان نسبت به وی دارند، او را در موقعیت ممتاز و ویژه‌ای قرار می‌دهد؛ موقعیتی که هیچ انسان دیگری از آن برخوردار نیست.

معلم خوبی که با رفتار نیک و گفتار پسندیده‌اش دانش‌آموزان را خوب پرورش دهد، بزرگ‌ترین خدمت را به اجتماع کرده است. در برابر، و برعکس یک معلم بداخلاق و منحرف که با رفتار خود دانش‌آموزان را به انحراف و تباهی می‌کشد، بزرگ‌ترین خیانت‌ها را به اجتماع کرده است. بنابراین، شغل او حساس‌ترین شغل‌هاست و معلم نمی‌تواند نسبت به اخلاق و رفتار خود بی‌تفاوت باشد. معلم باید به مسئولیت سنگین و ارزشمند خود و مقدار نفوذش در دانش‌آموزان خوب بیندیشد و با اصلاح اخلاق و رفتار خویش، بهترین الگو را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد.

#### **تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین**

باتوجه به ارزشمند بودن تمام پژوهش‌هایی که در زمینه‌های تربیتی و به‌ویژه در مورد ارتباط تربیتی و اخلاقی معلم و دانش‌آموز انجام شده است و احترام خاصی که برای آنها قائل هستیم، در این پژوهش مسئله‌ای جدید مطرح، و رابطه تربیتی و اخلاقی معلم و دانش‌آموز از زاویه‌ای دیگر بررسی شده است؛ به گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود در صورت استفاده و به‌کارگیری نتایج این پژوهش توسط مسئولان نظام تعلیم و تربیت، در نهایت، ارائه و ترویج الگویی دینی و اخلاقی

برای معلمان و دانش‌آموزان را به دنبال داشته باشد. به همین منظور، با در نظر گرفتن جامعه آماری خاص، یعنی دانش‌آموزان مقطع متوسطه که به علت شرایط مربوط به این دوره سنی از الگوپذیری بسیاری برخوردارند، برای نخستین بار به صورت موردی به بررسی عوامل مؤثر در الگوپذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه ناحیه یک شهرستان خرم‌آباد از دبیران معارف اسلامی و نیز مطالعه و بررسی نقش صفات شخصیت دبیران و میزان تأثیر هر یک از این صفات در سطح الگوپذیری دانش‌آموزان پرداخته‌ایم. امیدواریم دبیران معارف اسلامی با آگاهی از اینکه کدام ویژگی آنان از نظر متریبان دارای اهمیت و تأثیرگذاری بیشتری است، به تقویت آن بعد یا ابعاد و یا تغییر در برخی از اخلاقیات و رفتار خود اقدام کنند و با ارائه یک الگوی سالم و موفق، جوانانی با اخلاق و پرورش یافته بر اساس آموزه‌های دینی و اصول اخلاقی تحویل جامعه اسلامی دهند.

#### روش تحقیق:

در این پژوهش، به منظور تحقق هدف‌های مطرح شده و با توجه به ماهیت موضوع، از روش تحقیق پیمایشی یا زمینه‌یابی که از نوع پژوهش‌های توصیفی و میدانی است، استفاده شده است.

#### ابزار جمع‌آوری داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، افزون بر مطالعات کتابخانه‌ای که به منظور دستیابی به ادبیات نظری و پیشینه پژوهش انجام شد، در مرحله میدانی پژوهش از طریق اجرای پرسش‌نامه محقق‌ساخته اقدام شد که در تهیه و تنظیم آن کوشیده‌ایم با استفاده از دیدگاه‌های ناقدانه استاد راهنما و چند نفر از صاحب‌نظران، به گونه‌ای تنظیم شود که در بردارنده روایی ظاهری و پوشش‌دهنده اهداف پژوهش و متناسب با آزمون فرضیه‌های پژوهش باشد.



برای تحلیل داده‌ها و اطلاعات به دست آمده، از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی، و برای تحلیل داده‌های آماری و بررسی فرضیه‌های پژوهش، از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است.

### نتیجه‌گیری و یافته‌های پژوهش

یافته‌های علمی این پژوهش برگرفته از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. نتایج مطالعه میدانی به داده‌هایی مستند است که در پی می‌آید:

### الف) یافته‌های توصیفی پژوهش

#### ۱. توصیف جنسیت

جدول ۱: فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب جنسیت

| درصد | فراوانی | شاخص‌ها<br>جنسیت |
|------|---------|------------------|
| ۵۵   | ۲۲۰     | پسر              |
| ۴۵   | ۱۸۰     | دختر             |
| ۱۰۰  | ۴۰۰     | مجموع            |

همان‌طور که جدول و نمودار بالا نشان می‌دهد، ۵۵ درصد پاسخ‌گویان پسر و ۴۵ درصد دختر هستند.

#### ۲. توصیف رشته تحصیلی

جدول ۲: فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب رشته تحصیلی

| درصد | فراوانی | شاخص‌ها<br>رشته |
|------|---------|-----------------|
| ۳۱٫۳ | ۱۲۵     | سال اول         |
| ۱۲٫۵ | ۵۰      | انسانی          |
| ۱۴٫۸ | ۵۹      | تجربی           |
| ۱۴   | ۵۶      | ریاضی           |
| ۱۷٫۵ | ۷۰      | فنی و حرفه‌ای   |
| ۱۰   | ۴۰      | کار و دانش      |
| ۱۰۰  | ۴۰۰     | مجموع           |

براساس داده‌های جدول و نمودار، ۳۱ درصد پاسخ‌گویان سال اول هستند؛ ۱۳ درصد در رشته علوم انسانی؛ ۱۵ درصد در رشته تجربی، ۱۴ درصد در رشته ریاضی، ۱۸ درصد در رشته فنی و ۱۰ درصد در رشته کارودانش تحصیل می‌کنند.

### ۳. توصیف پایه تحصیلی

جدول ۳: فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب پایه تحصیلی

| درصد | فراوانی | شاخص‌ها<br>پایه |
|------|---------|-----------------|
| ۳۱.۳ | ۱۲۵     | اول             |
| ۳۲.۵ | ۱۳۰     | دوم             |
| ۳۶.۳ | ۱۴۵     | سوم             |
| ۱۰۰  | ۴۰۰     | مجموع           |

همان‌طور که جدول و نمودار بالا نشان می‌دهد، ۳۱ درصد پاسخ‌گویان سال اول، ۳۳ درصد سال دوم و ۳۶ درصد پایه سوم هستند.

### ۴. توصیف میزان رضایت دانش‌آموزان از شیوه تدریس معلمان

جدول ۴: فراوانی و درصد مربوط به رضایت دانش‌آموزان از شیوه تدریس معلمان

| درصد | فراوانی | شاخص‌ها<br>میزان رضایت |
|------|---------|------------------------|
| ۱۰.۵ | ۴۲      | کم                     |
| ۳۳.۳ | ۱۳۳     | متوسط                  |
| ۵۶.۳ | ۲۲۵     | زیاد                   |
| ۱۰۰  | ۴۰۰     | مجموع                  |

براساس داده‌های جدول و نمودار ۱۱ درصد دانش‌آموزان در حد کم از شیوه تدریس خود رضایت دارند؛ ۳۳ درصد میزان رضایت خود را در حد متوسط اعلام داشته‌اند و ۵۶ درصد اظهار داشته‌اند که در حد زیاد از شیوه تدریس دبیران خود راضی هستند.

### ۵. توصیف خوش خلقی معلمان

جدول ۵: فراوانی و درصد مربوط به خوش خلقی دبیران

| درصد | فراوانی | شاخصها |
|------|---------|--------|
|      |         | پاسخ   |
| ۸۶.۶ | ۳۴۷     | بلی    |
| ۱۳.۳ | ۵۳      | خیر    |
| ۱۰۰  | ۱۰۰     | مجموع  |

براساس جدول و نمودار ۸۷/۵ درصد دانش آموزان اظهار داشته‌اند که دبیران آنها خوش اخلاق هستند. ۱۳ درصد نیز در این زمینه جواب منفی داده‌اند.

### ۶. توصیف آراستگی ظاهری معلمان

جدول ۶: فراوانی و درصد مربوط به آراستگی ظاهری دبیران

| درصد | فراوانی | شاخصها |
|------|---------|--------|
|      |         | پاسخ   |
| ۸۴.۳ | ۳۳۷     | بلی    |
| ۱۵.۸ | ۶۳      | خیر    |
| ۱۰۰  | ۴۰۰     | مجموع  |

براساس جدول و نمودار ۶، ۸۴ درصد دانش آموزان اظهار داشته‌اند که دبیران آنها از لحاظ ظاهری آراسته‌اند. ۱۶ درصد نیز در این زمینه جواب منفی داده‌اند.

### ۷. توصیف پاسخ گویان بر حسب رشته و جنسیت

جدول ۷: فراوانی و درصد پاسخ گویان بر حسب رشته و جنسیت

| مجموع | رشته تحصیلی |               |       |       |        |         | رشته    |       |
|-------|-------------|---------------|-------|-------|--------|---------|---------|-------|
|       | کار و دانش  | فنی و حرفه ای | ریاضی | تجربی | انسانی | سال اول | فراوانی | جنسیت |
| ۲۲۰   | ۲۲          | ۳۷            | ۲۵    | ۲۶    | ۳۸     | ۷۲      | فراوانی | پسر   |
| ۱۰۰   | ۱۰          | ۱۶.۸          | ۱۱.۴  | ۱۱.۸  | ۱۷.۳   | ۳۲.۷    | درصد    |       |
| ۱۸۰   | ۱۸          | ۳۳            | ۳۱    | ۳۳    | ۱۲     | ۵۳      | فراوانی | دختر  |
| ۱۰۰   | ۱۰          | ۱۸.۳          | ۱۷.۲  | ۱۸.۳  | ۶.۷    | ۲۹.۴    | درصد    |       |
| ۴۰۰   | ۴۰          | ۷۰            | ۵۶    | ۵۹    | ۵۰     | ۱۲۵     | فراوانی | مجموع |
| ۱۰۰   | ۱۰          | ۱۷.۵          | ۱۴    | ۱۴.۸  | ۱۲.۵   | ۳۱.۳    | درصد    |       |

جدول و نمودار شماره ۷، فراوانی و درصد پاسخ گویان را به تفکیک رشته و جنسیت نشان می دهد.

### ۸. توصیف پاسخ گویان بر حسب پایه تحصیلی و جنسیت

جدول ۸: فراوانی و درصد پاسخ گویان بر حسب پایه تحصیلی و جنسیت

| مجموع | پایه تحصیلی |      |      | پایه تحصیلی / جنسیت |       |
|-------|-------------|------|------|---------------------|-------|
|       | سوم         | دوم  | اول  | فراوانی             | جنسیت |
| ۲۲۰   | ۶۸          | ۷۹   | ۷۳   | فراوانی             | پسر   |
| ۱۰۰   | ۳۰.۹        | ۳۵.۹ | ۳۳.۲ | درصد                |       |
| ۱۸۰   | ۷۷          | ۵۱   | ۵۲   | فراوانی             | دختر  |
| ۱۰۰   | ۴۲.۸        | ۲۸.۳ | ۲۸.۹ | درصد                |       |
| ۴۰۰   | ۱۴۵         | ۱۳۰  | ۱۲۵  | فراوانی             | مجموع |
| ۱۰۰   | ۳۶.۳        | ۳۲.۵ | ۳۱.۳ | درصد                |       |

جدول و نمودار شماره ۸، فراوانی و درصد پاسخ گویان را به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت نشان می دهند.

### ب: یافته های استنباطی پژوهش

#### ۱. فرضیه اول پژوهش

H0: بین بالا بودن مدرک تحصیلی دبیران دین و زندگی و سطح الگوپذیری دانش آموزان مقطع متوسطه رابطه وجود ندارد.

H1: بین بالا بودن مدرک تحصیلی دبیران دین و زندگی و سطح الگوپذیری دانش آموزان مقطع متوسطه رابطه وجود دارد.

از آنجایی که متغیرهای مدرک تحصیلی دبیران و الگوپذیری دانش آموزان، از نوع رتبه ای (مقوله ای) می باشند، برای بررسی رابطه بین این دو متغیر، از آزمون استقلال مجذور خی استفاده، نتایج آن در جدول های زیر آورده شده است.

جدول ۹: فراوانی و درصد الگوپذیری دانش‌آموزان بر حسب مدرک تحصیلی دبیران

| مجموع | سطح الگوپذیری دانش‌آموز |       |     | سطح الگوپذیری |            |
|-------|-------------------------|-------|-----|---------------|------------|
|       | زیاد                    | متوسط | کم  | تحصیلات دبیر  |            |
| ۳۵۰   | ۲۸۲                     | ۶۳    | ۵   | فراوانی       | لیسانس     |
| ۱۰۰   | ۸۰.۶                    | ۱۸    | ۱.۴ | درصد          |            |
| ۵۰    | ۳۹                      | ۹     | ۲   | فراوانی       | فوق لیسانس |
| ۱۰۰   | ۷۸                      | ۱۸    | ۴   | درصد          |            |
| ۴۰۰   | ۳۲۱                     | ۷۲    | ۷   | فراوانی       | مجموع      |
| ۱۰۰   | ۸۰.۳                    | ۱۸    | ۱.۸ | درصد          |            |

جدول ۱۰: نتایج آزمون استقلال خی دو

| سطح معناداری | درجه آزادی | مقدار | آماره‌ها           |  |
|--------------|------------|-------|--------------------|--|
|              |            |       | آزمون              |  |
| P= ۰.۴۳۰     | ۲          | ۱.۶۸۹ | خی دو (کای اسکوئر) |  |

با توجه به نتایج جدول مزبور، چون مقدار به دست‌آمده برای آماره مجذور خی (۶/۳۸۳) در سطح ۰/۰۵ و با درجه آزادی ۲ از مجذور خی جدول (۵/۹۹۱) بیشتر است (P=۰/۰۴۱ و df=۲۴ و  $\chi^2 = 6/383$ )، نتیجه می‌گیریم که بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معنادار وجود دارد. در نتیجه، فرضیه H<sub>0</sub> رد و فرضیه H<sub>1</sub> تأیید می‌شود. بر این اساس و با توجه به درصدهای محاسبه‌شده در جدول ۱۰ و ضریب همبستگی کندال به دست‌آمده (۰/۱۲۲)، چنین استنباط می‌کنیم که بین بالا بودن مدرک تحصیلی دبیران دین و زندگی و سطح الگوپذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه رابطه مستقیم معنادار وجود دارد.

۲- فرضیه دوم پژوهش H<sub>0</sub>: بین بالا بودن تجربه دبیران دین و زندگی و سطح الگوپذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه رابطه وجود ندارد.

H<sub>1</sub>: بین بالا بودن تجربه دبیران دین و زندگی و سطح الگوپذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه متغیرهای تجربه دبیران و الگوپذیری دانش‌آموزان، از نوع رتبه‌ای (مقوله‌ای) می‌باشند، برای بررسی رابطه بین این دو متغیر، از آزمون استقلال مجذور خی استفاده و نتایج آن در جدول‌های زیر آورده شده است.

جدول ۱۱: فراوانی و درصد الگوپذیری دانش‌آموزان بر حسب تجربه دبیران

| مجموع | سطح الگوپذیری دانش‌آموز |       |      | سطح الگوپذیری |              |
|-------|-------------------------|-------|------|---------------|--------------|
|       | زیاد                    | متوسط | کم   | تجربه دبیر    |              |
| ۷۵    | ۴                       | ۴۰    | ۳۱   | فراوانی       | ۱ تا ۷ سال   |
| ۱۰۰   | ۵.۳                     | ۵۳.۳  | ۴۱.۳ | درصد          |              |
| ۸۵    | ۶                       | ۴۱    | ۳۸   | فراوانی       | ۸ تا ۱۴ سال  |
| ۱۰۰   | ۷.۱                     | ۴۸.۲  | ۴۴.۷ | درصد          |              |
| ۱۴۵   | ۸                       | ۷۸    | ۵۹   | فراوانی       | ۱۵ تا ۲۱ سال |
| ۱۰۰   | ۵.۵                     | ۵۳.۸  | ۴۰.۷ | درصد          |              |
| ۹۵    | ۹                       | ۴۴    | ۴۲   | فراوانی       | ۲۲ تا ۳۰ سال |
| ۱۰۰   | ۹.۵                     | ۴۶.۳  | ۴۴.۲ | درصد          |              |
| ۴۰۰   | ۲۷                      | ۲۰۳   | ۱۷۰  | فراوانی       | مجموع        |
| ۱۰۰   | ۶.۸                     | ۵۰.۸  | ۴۲.۵ | درصد          |              |

جدول ۱۲: نتایج آزمون استقلال خی دو

| سطح معناداری | درجه آزادی | مقدار | آماره‌ها           |  |
|--------------|------------|-------|--------------------|--|
|              |            |       | آزمون              |  |
| P= ۰.۸۴۱     | ۶          | ۲.۷۴۱ | خی دو (کای اسکوتر) |  |

با توجه به نتایج جدول مزبور، چون مقدار به دست آمده برای آماره مجذور خی (۲/۷۴۱) در سطح ۰/۰۵ و با درجه آزادی ۶ از مجذور خی جدول (۱۲/۵۹) کمتر است (P=۰/۸۴۱ و df=۶ و  $\chi^2 = ۲/۷۴۱$ )، نتیجه می‌گیریم که بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معنادار وجود ندارد. در نتیجه، فرضیه H0 تایید و فرضیه H1 رد می‌شود. به عبارت دیگر، بین بالا بودن تجربه دبیران دین و زندگی و سطح الگوپذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه رابطه وجود ندارد.

### ۳. فرضیه سوم پژوهش

H0: بین میزان توجه و پایبندی دبیران دین و زندگی به آداب، سنن و اعتقادات دینی و مذهبی و سطح الگوپذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه رابطه وجود ندارد.

H1: بین میزان توجه و پایبندی دبیران دین و زندگی به آداب، سنن و اعتقادات و سطح الگوپذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه رابطه وجود دارد. از آنجا که متغیرهای میزان توجه و پایبندی دبیران و الگوپذیری دانش‌آموزان، از نوع رتبه‌ای (مقوله‌ای) می‌باشند، برای بررسی رابطه بین این دو متغیر، از آزمون استقلال مجذور خی استفاده، و نتایج آن در جدول‌های زیر آورده شده است.

جدول ۱۳: فراوانی و درصد الگوپذیری دانش‌آموزان بر حسب میزان توجه و پایبندی دبیران

| مجموع | سطح الگوپذیری دانش‌آموز |       |      | سطح الگوپذیری      |       |
|-------|-------------------------|-------|------|--------------------|-------|
|       | زیاد                    | متوسط | کم   | میزان پایبندی دبیر |       |
| ۲۹    | ۱۷                      | ۹     | ۳    | فراوانی            | کم    |
| ۱۰۰   | ۵۸.۶                    | ۳۱    | ۱۰.۳ | درصد               |       |
| ۱۱۶   | ۷۴                      | ۴۰    | ۲    | فراوانی            | متوسط |
| ۱۰۰   | ۶۳.۸                    | ۳۴.۵  | ۱.۷  | درصد               |       |
| ۲۵۵   | ۲۰۱                     | ۴۴    | ۱۰   | فراوانی            | زیاد  |
| ۱۰۰   | ۷۸.۸                    | ۱۷.۳  | ۳.۹  | درصد               |       |
| ۴۰۰   | ۲۹۲                     | ۹۳    | ۱۵   | فراوانی            | مجموع |
| ۱۰۰   | ۷۳                      | ۲۳.۳  | ۳.۸  | درصد               |       |

جدول ۱۴: نتایج آزمون استقلال خی دو و ضریب همبستگی کندال

| سطح معناداری | درجه آزادی | مقدار  | آماره‌ها           |  |
|--------------|------------|--------|--------------------|--|
|              |            |        | آزمون              |  |
| P= ۰.۰۰۱     | ۴          | ۱۸.۹۹۹ | خی دو (کای اسکوئر) |  |
| P= ۰.۰۰۱     | -          | ۰.۱۷۸  | ضریب همبستگی کندال |  |

با توجه به نتایج جدول، چون مقدار به دست آمده برای آماره مجذور خی (۱۸/۹۹۹) در سطح ۰/۰۱ و با درجه آزادی ۴ از مجذور خی جدول (۱۳/۲۷)

بیشتر است ( $P=0/001$  و  $df=4$  و  $\chi^2=18/999$ )، نتیجه می‌گیریم که بین فراوانی‌های مشاهده‌شده و مورد انتظار تفاوت معنادار وجود دارد. در نتیجه، فرضیه  $H_0$  رد و فرضیه  $H_1$  تأیید قرار می‌گیرد. بر این اساس و با توجه به درصد‌های محاسبه‌شده در جدول ۱-۴ و ضریب همبستگی کندال به دست آمده ( $0/178$ )، چنین استنباط می‌کنیم که بین میزان توجه و پایبندی دبیران دین و زندگی به آداب، سنن و اعتقادات و سطح الگوپذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه رابطه مستقیم وجود دارد.

#### ۴- فرضیه چهارم پژوهش

$H_0$ : بین آراستگی ظاهری دبیران دین و زندگی و سطح الگوپذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه رابطه وجود ندارد.

$H_1$ : بین آراستگی ظاهری دبیران دین و زندگی و سطح الگوپذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه متغیرهای آراستگی ظاهری دبیران و الگوپذیری دانش‌آموزان، از نوع اسمی و رتبه‌ای (مقوله‌ای) می‌باشند، برای بررسی رابطه بین این دو متغیر، از آزمون استقلال مجذور خی استفاده، و نتایج آن در جدول‌های زیر آورده شده است.

جدول ۱۵: فراوانی و درصد الگوپذیری دانش‌آموزان بر حسب آراستگی ظاهری دبیران

| مجموع | سطح الگوپذیری دانش‌آموز |       |      | سطح الگوپذیری |       |
|-------|-------------------------|-------|------|---------------|-------|
|       | زیاد                    | متوسط | کم   | آراستگی دبیر  |       |
| ۳۳۷   | ۲۲۹                     | ۹۲    | ۱۶   | فراوانی       | بلی   |
| ۱۰۰   | ۶۸                      | ۲۷.۳  | ۴.۷  | درصد          |       |
| ۶۳    | ۲۶                      | ۲۴    | ۱۳   | فراوانی       | خیر   |
| ۱۰۰   | ۴۱.۳                    | ۳۸.۱  | ۲۰.۶ | درصد          |       |
| ۴۰۰   | ۲۵۵                     | ۱۱۶   | ۲۹   | فراوانی       | مجموع |
| ۱۰۰   | ۶۳.۸                    | ۲۹    | ۷.۳  | درصد          |       |



جدول ۱۶: نتایج آزمون استقلال خی دو و ضریب همبستگی وی کرامر

| سطح معناداری | درجه آزادی | مقدار  | آماره ها<br>آزمون            |
|--------------|------------|--------|------------------------------|
| P= ۰,۰۰۱     | ۲          | ۲۶,۵۳۹ | خی دو (کای اسکوئر)           |
| P= ۰,۰۰۱     | -          | ۰,۲۵۸  | ضریب همبستگی<br>وی (V) کرامر |

با توجه به نتایج جدول، چون مقدار به دست آمده برای آماره مجذور خی (۲۶/۵۳۹) در سطح ۰/۰۱ و با درجه آزادی ۲ از مجذور خی جدول (۹/۲۱) بیشتر است (P=۰/۰۰۱ و df=۲ و  $\chi^2 = ۲۶/۵۳۹$ )، نتیجه می گیریم بین فراوانی های مشاهده ده و مورد انتظار، تفاوت معنادار وجود دارد. در نتیجه، فرضیه H0 رد و فرضیه H1 تأیید می شود. بر این اساس و با توجه به درصدهای محاسبه شده در جدول ۱۶ و ضریب همبستگی وی کرامر به دست آمده (۰/۲۵۸)، چنین استنباط می کنیم که بین آراستگی ظاهری دبیران دین و زندگی و سطح الگوپذیری دانش آموزان مقطع متوسطه رابطه مستقیم وجود دارد.

#### ۵- فرضیه پنجم پژوهش

H0: بین شیوه تدریس دبیران دین و زندگی و سطح الگوپذیری دانش آموزان مقطع متوسطه رابطه وجود ندارد.

H1: بین شیوه تدریس دبیران دین و زندگی و سطح الگوپذیری دانش آموزان مقطع متوسطه رابطه وجود دارد.

از آنجایی که متغیرهای شیوه تدریس دبیران و الگوپذیری دانش آموزان، از نوع رتبه ای (مقوله ای) می باشند، برای بررسی رابطه بین این دو متغیر، از آزمون استقلال مجذور خی استفاده، و نتایج آن در جدول های زیر آورده شده است.

جدول ۱۷: فراوانی و درصد الگوپذیری دانش آموزان بر اساس شیوه تدریس دبیران

| مجموع | سطح الگوپذیری دانش آموز |       |     | سطح الگوپذیری   |               |
|-------|-------------------------|-------|-----|-----------------|---------------|
|       | زیاد                    | متوسط | کم  | شیوه تدریس دبیر |               |
| ۴۲    | ۲۰                      | ۲۰    | ۲   | فراوانی         | نامناسب       |
| ۱۰۰   | ۴۷٫۶                    | ۴۷٫۶  | ۴٫۸ | درصد            |               |
| ۱۳۳   | ۸۱                      | ۵۱    | ۱   | فراوانی         | تأحدودی مناسب |
| ۱۰۰   | ۶۰٫۹                    | ۳۸٫۳  | ۰٫۸ | درصد            |               |
| ۲۲۵   | ۱۶۷                     | ۵۷    | ۱   | فراوانی         | مناسب         |
| ۱۰۰   | ۷۴٫۲                    | ۲۵٫۳  | ۰٫۴ | درصد            |               |
| ۴۰۰   | ۲۶۸                     | ۱۲۸   | ۴   | فراوانی         | مجموع         |
| ۱۰۰   | ۶۷                      | ۳۲    | ۱   | درصد            |               |

جدول ۱۸: نتایج آزمون استقلال خی دو و ضریب همبستگی وی کرامر

| سطح معناداری | درجه آزادی | مقدار  | آماره ها<br>آزمون  |
|--------------|------------|--------|--------------------|
| P=۰٫۰۰۱      | ۴          | ۱۹٫۵۶۵ | خی دو (کای اسکوئر) |
| P=۰٫۰۰۱      | -          | ۰٫۱۸۵  | ضریب همبستگی کندال |

با توجه به نتایج جدول بالا، چون مقدار به دست آمده برای آماره مجذورخی (۱۹/۵۶۵) در سطح ۰/۰۱ و با درجه آزادی ۴ از مجذورخی جدول (۱۳/۲۷) بیشتر است (P=۰/۰۰۱ و df=۴ و  $\chi^2 = 19/565$ )، نتیجه می گیریم که بین فراوانی های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معنادار وجود دارد. در نتیجه، فرضیه H0 رد و فرضیه H1 تأیید می شود. بر این اساس و با توجه به درصدهای محاسبه شده در جدول ۱۷ و ضریب همبستگی کندال به دست آمده (۰/۱۸۵)، چنین استنباط می کنیم که بین شیوه تدریس دبیران دین و زندگی و سطح الگوپذیری دانش آموزان مقطع متوسطه رابطه مستقیم وجود دارد.

#### ۶- فرضیه ششم پژوهش

H0: بین خوش خلقی دبیران دین و زندگی و سطح الگوپذیری دانش آموزان مقطع

متوسطه رابطه وجود ندارد.

$H_1$ : بین خوش خلقی دبیران دین و زندگی و سطح الگوپذیری دانش آموزان مقطع متوسطه رابطه وجود دارد.

از آنجایی که متغیرهای خوش خلقی دبیران و الگوپذیری دانش آموزان، از نوع اسمی و رتبه‌ای (مقوله‌ای) می باشند، برای بررسی رابطه بین این دو متغیر، از آزمون استقلال مجذور خی استفاده، و نتایج آن در جدول‌های زیر آورده شده است.

جدول ۱۹: فراوانی و درصد الگوپذیری دانش آموزان بر اساس خوش خلقی دبیران

| مجموع | سطح الگوپذیری دانش آموزان |       |      | سطح الگوپذیری خوش خلقی دبیر |       |
|-------|---------------------------|-------|------|-----------------------------|-------|
|       | زیاد                      | متوسط | کم   | فراوانی                     | بلی   |
| ۳۴۷   | ۲۶۸                       | ۷۵    | ۴    | فراوانی                     | بلی   |
| ۱۰۰   | ۷۷.۲                      | ۲۱.۶  | ۱.۲  | درصد                        |       |
| ۵۳    | ۲۴                        | ۱۸    | ۱۱   | فراوانی                     | خیر   |
| ۱۰۰   | ۴۵.۳                      | ۳۴    | ۲۰.۸ | درصد                        |       |
| ۴۰۰   | ۲۹۲                       | ۹۳    | ۱۵   | فراوانی                     | مجموع |
| ۱۰۰   | ۷۳                        | ۲۳.۳  | ۳.۸  | درصد                        |       |

جدول ۲۰: نتایج آزمون استقلال خی دو و ضریب همبستگی وی کرامر

| سطح معناداری | درجه آزادی | مقدار  | آماره‌ها                  |          |
|--------------|------------|--------|---------------------------|----------|
|              |            |        | آزمون                     | آماره‌ها |
| $P=۰.۰۰۱$    | ۲          | ۵۶.۵۵۵ | آزمون خی دو (کای اسکوتر)  |          |
| $P=۰.۰۰۱$    | -          | ۰.۳۷۶  | ضریب همبستگی وی (V) کرامر |          |

با توجه به نتایج جدول بالا، چون مقدار به دست آمده برای آماره مجذور خی (۵۶/۵۵۵) در سطح ۰/۰۱ و با درجه آزادی ۲ از مجذور خی جدول (۹/۲۱) بیشتر است ( $P=۰/۰۰۱$  و  $df=۲$  و  $\chi^2=۵۶/۵۵۵$ )، نتیجه می گیریم که بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معنادار وجود دارد. در نتیجه، فرضیه  $H_0$  رد و فرضیه  $H_1$  تأیید می شود. بر این اساس و با توجه به درصدهای

محاسبه شده در جدول ۱۹ و ضریب همبستگی وی کرامر به دست آمده (۰/۳۷۶)، چنین استنباط می‌کنیم که بین خوش‌خلقی دبیران دین و زندگی و سطح الگوپذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه رابطه مستقیم دارد.

با جمع‌بندی نتایج آزمون فرضیه‌های این پژوهش، می‌توان مهم‌ترین رفتارهای اخلاقی دبیران معارف اسلامی موثر در الگوپردازی اخلاقی دانش‌آموزان را به این ترتیب طبقه‌بندی کرد:

۱. خوش خلق بودن دبیران معارف اسلامی؛
  ۲. توجه و پای‌بندی آنان به آداب، سنن و اعتقادات دینی دانش‌آموزان؛
  ۳. بالا بودن مدرک تحصیلی و سطح علمی دبیر؛
  ۴. شیوه تدریس و چگونگی اداره کلاس توسط دبیر؛
  ۵. آراستگی ظاهری دبیر و رعایت بهداشت عمومی و فردی.
- با مقایسه عوامل تأثیرگذار در سطح الگوپذیری دانش‌آموزان در می‌یابیم که از بین تمام عوامل ذکر شده، خوش‌خلقی دبیران معارف اسلامی دارای بالاترین میزان تأثیرگذاری است و این خود اهمیت خوش‌خلقی و خوش‌رفتاری و شیوه برخورد دبیر معارف اسلامی با دانش‌آموز را می‌رساند. همچنین یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که دانش‌آموزان بیش از آنکه به مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی، تجربه دبیر، شیوه تدریس و حتی ظاهر دبیر خود توجه نمایند و به الگوپردازی از وی بپردازند، به اخلاق، منش، خوشرویی و چگونگی احترام به شخصیت خود توسط دبیر معارف اسلامی توجه دارند. از این‌روی، دبیران دین و زندگی باید سعی کند در رفتار و اخلاق خود و چگونگی برخورد با دانش‌آموزان در کلاس درس و محیط خارج از کلاس، چگونگی رویارویی با خطاها و اشتباهات احتمالی دانش‌آموزان، پیش و بیش از هر چیز بر متانت، ادب و عدالت تکیه کنند.

براساس یافته‌های پژوهش، بعد از خوش‌خلقی دبیر، پایبندی دبیر به آداب، سنن، اعتقادات دانش‌آموز و انجام فرایض و مناسک دینی، از مهم‌ترین رفتارهای اخلاقی دبیران دینی و قرآن‌می‌باشد که برای دانش‌آموزان از نقش‌الگودهنده‌ای برخوردار است. به عبارت دیگر، برای دانش‌آموز، شرکت دبیر معارف اسلامی در مناسک دینی مانند نماز جماعت، ایام‌الله‌ها و مراسم مذهبی مهم است و در این موارد از دبیر خود الگوبرداری می‌کنند و این خود وظیفه خطیر دبیر معارف اسلامی را برای چگونگی حضور در جامعه و مراسم اجتماعی، رعایت شعائر دینی و پایبندی به اعتقادات، سنن و آموزه‌های دینی حساس‌تر می‌کند.

عامل سوم در افزایش سطح الگوپذیری اخلاقی دانش‌آموزان از دبیران اسلامی، بالا بودن مدرک تحصیلی و سطح علمی دبیران است. این موضوع نشان از اهمیت توان علمی دبیران، تسلط ایشان بر محتوای درس و توان در پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات دینی و اخلاقی دارد.

همچنین دبیران معارف اسلامی باید بدانند که شیوه تدریس آنها به طرز خاص و موشکافانه‌ای تحت نظر دانش‌آموزان است. و بنابراین، دبیران ضمن سعی در افزایش معلومات علمی برای تسلط بر محتوای درس، باید کار تدریس را با آیات و احادیث دینی شروع کنند و از استفاده به موقع و درست از جملات ادبی و ضرب‌المثل‌های فارسی نیز غافل نشوند.

همچنین دبیران معارف اسلامی باید بدانند برای تأثیرگذاری بیشتر بر اخلاق دانش‌آموزان، ضمن رعایت بهداشت فردی و عمومی، ظاهری آراسته و متناسب با شغل معلمی داشته باشند.

با توجه به این یافته‌ها، مسئولیت خطیر دبیران معارف اسلامی در آموزش مفاهیم و آموزه‌های دینی و سعی در ارائه یک نمونه و الگوی اخلاقی متناسب با یک جامعه اسلامی و پرورش اخلاقی دانش‌آموزان که سرمایه‌های اصلی این

مملکت به شمار می‌آیند، سنگین‌تر می‌شود. معلمان باید بکوشند با تأسی از رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله که خدای سبحان ایشان را یک نمونه، و الگوی کامل برای بندگان معرفی کرده است، خود نمونه‌کاملی از یک انسان کامل و یک الگوی متناسب اخلاقی برای دانش‌آموزان باشند تا در رسالت خطیر خویش در سازندگی اخلاقی آنها روزبه‌زور موفق‌تر باشند. اهمیت این نقش و جایگاه هنگامی روشن‌تر می‌شود که بدانیم دانش‌آموزان دبیرستانی در این دوره سنی به دنبال یک الگو می‌گردند تا خود را به او شبیه سازند. معلم معارف اسلامی به علت نگرش مثبت دانش‌آموزان به وی و اینکه بیشتر دانش‌آموزان او را شایسته‌الگو برداری می‌دانند باید از این امر اطلاع داشته و سعی کند نتایج حاصل از این پژوهش را در رفتار و منش خود منعکس کند.

#### **پیشنهاد‌های کاربردی بر اساس یافته‌های پژوهش**

با توجه به آنچه در این پژوهش درباره‌ی توصیف و تبیین اصل الگوپذیری انسان از زوایای مختلف و بررسی شد و با توجه به نقش چشم‌گیر معلمان دینی در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان و الگوپذیری بالای دانش‌آموزان از رفتارهای اخلاقی دبیران معارف اسلامی، موارد ذیل به منظور جهت بهینه‌سازی فرایند تربیت اخلاقی دانش‌آموزان و موفقیت بیشتر دبیران معارف اسلامی در دستیابی به مهم‌ترین هدف خود یعنی سازندگی اخلاقی دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود:

#### **الف) پیشنهاد به مسئولان و برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت**

۱. تهیه و تدوین کتاب‌ها یا جزوه‌های آموزشی توسط وزارت آموزش و پرورش برای تمام معلمان، به‌ویژه دبیران معارف اسلامی درباره‌ی شیوه‌های تعامل اخلاقی با دانش‌آموزان با تأکید بر نقش عمده‌ی خوش‌حلقی و حسن برخورد اخلاقی دبیران با دانش‌آموزان؛

۲. برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای دبیران معارف اسلامی درباره اهمیت تربیت اخلاقی.

**ب) پیشنهاد به دبیران معارف اسلامی**

۱. احترام به شخصیت دانش‌آموز و برخورد توأم با متانت و وقار با آنها و خودداری از توهین به شخصیت دانش‌آموزان؛
۲. خوش‌رویی با دانش‌آموز و مواجهه گرم و بشاش با آنان و پذیرفتن این حقیقت که دانش‌آموزان از دبیر خوش‌شرو و خوش‌خلق الگوپذیری بیشتری دارند تا دبیر عبوس با چهره درهم و گرفته؛
۳. آموزش مفاهیم درسی و اخلاقی استفاده از گفتار متین، به دور از بیان کلمات و لغات لغو و با بیانی رسا و شیرین؛
۴. تصحیح و بخشش خطاهای احتمالی دانش‌آموزان و سعی در کشف علت و ایجاد زمینه مناسب به منظور جلوگیری از تکرار آنها؛
۵. توجه به چگونگی برخورد و تعامل اخلاقی دبیران با دانش‌آموزان در محیط خارج از دبیرستان به منزله یک شاخص کلیدی در الگوپردازی اخلاقی در نظر دانش‌آموز؛
۶. سعی در مطالعه و علم‌آموزی و کسب مدارک علمی بالاتر و بالا بردن علم و اطلاعات خویش برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات دانش‌آموزان؛
۷. رعایت عدالت در امر تدریس، تشویق و تنبیه دانش‌آموزان و دوری از هرگونه تبعیض؛
۸. خوش‌قولی دبیران دین و زندگی؛
۹. رعایت نظم کاری؛
۱۰. هماهنگی گفتار با کردار؛

۱۱. نحوه رفتار دبیران با سایر همکاران، نوعی آموزش غیرمستقیم زندگی اجتماعی به شاگردان است و اینکه این امر نزد دانش‌آموزان در الگوبرداری اخلاقی از وی تأثیر زیادی بر جای می‌گذارد.

۱۲. انجام فرایض و مناسک دینی، رعایت آداب و سنن دینی توسط دبیر و تعظیم شعائر و مراسم و احیای سنت‌های اصیل مذهبی و استفاده شایسته و نوین از بزرگداشت ایام‌الله و اعیاد و مناسبت‌های اسلامی و پیراستن آنها از هر گونه افراط و تفریط؛

۱۳. آغاز تدریس با استفاده از آیات و روایات دینی و جلب توجه دانش‌آموزان به اینکه کارها را باید با نام و یاد خدا و توسل به ائمه اطهار علیه‌السلام شروع کنند.

۱۴. استفاده از جملات ادبی و ضرب‌المثل‌ها؛ زیرا هدف تعلیم و تربیت دینی تنها ارائه اطلاعات و معارف دینی به دانش‌آموزان نیست. هدف آن است که دانش‌آموزان از آموخته‌های خود در موقعیت‌های مختلف زندگی روزمره استفاده کنند.

۱۵. رعایت بهداشت عمومی و فردی، همراه با آراستگی ظاهری و پوشیدن لباس‌های مرتب، تمیز و متناسب با شخصیت معلم دینی و قرآن.



پی‌نوشت‌ها

۱. عباسعلی شاملی، مجموعه مقالات تربیت اخلاقی، ص ۱۰۵.
۲. احمد دیلمی و مسعود آذربایجانی، اخلاق اسلامی، ص ۱۶۲.
۳. Albert Bandura
۴. سیف علی اکبر، روان شناسی پرورشی، ص ۲۱۴.
۵. دیلمی احمد و آذربایجانی مسعود، اخلاق اسلامی، ص ۱۶۲.
۶. امینی ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۱۰۳.
۷. همان.
۸. سادات محمدعلی، راهنمای آموزش تعلیمات دینی در مدارس، ص ۱۴.
۹. میرزاحسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۸۲.
۱۰. همان، ج ۲، ص ۲۸۲.
۱۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، شماره ۱۶۲.
۱۲. علی نمازی شاهرودی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۷۸.
۱۳. شیخ مصلح الدین سعدی، کلیات، تصحیح ذکاء الملک فروغی، ص ۱۰۸.
۱۴. ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۱۰۳.
۱۵. گینات هایم، روابط معلم و دانش آموز، ترجمه سیاوش سرتیپی، ص ۷۴.
۱۶. محمدرضا شرفی، تربیت اسلامی با تاکید بر دیدگاه‌های حضرت امام خمینی قدس سره، ص ۱۴۹.
۱۷. گینات هایم، روابط معلم و دانش آموز، ترجمه سیاوش سرتیپی، ص ۷۵.
۱۸. جان دی کرومبولتز و هلن دی کرومبولتز، تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان، ترجمه یوسف کرمی، تهران، فاطمی، ص ۹۵-۹۳.
۱۹. ر.ک: علی علاقه بند، جامعه شناسی آموزش و پرورش.
۲۰. علی اکبر سیف، روان شناسی پرورشی، ص ۴۴۲.
۲۱. گینات هایم، روابط معلم و دانش آموز، ص ۹۱.
۲۲. رجب علی مظلومی، گامی در مسیر تربیت اسلامی، ج ۳، ص ۱۶۴.
۲۳. گینات هایم، روابط معلم و دانش آموز، ص ۹۱.
۲۴. محمدعلی سادات، راهنمای معلم (ویژه معلمان دینی)، ج ۱، ص ۴.
۲۵. عباسعلی شاملی، مجموعه مقالات تربیت اخلاقی، ص ۲۰۷.

## منابع

- امینی، ابراهیم، *اسلام و تعلیم و تربیت*، تهران، نشر انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۲.
- جان دی کرومبولتز، هلن، دی، کرومبولتز، *تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان*، ترجمه یوسف کرمی، تهران، فاطمی، ۱۳۷۵.
- دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود، *اخلاق اسلامی*، قم، معارف، ۱۳۸۵.
- سادات، محمدعلی، *راهنمای معلم (ویژه معلمان دینی)*، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۱.
- سادات، محمدعلی، *راهنمای آموزش تعلیمات دینی در مدارس*، تهران، چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۳.
- سعدی، شیخ مصلح الدین، *کلیات*، تصحیح ذکاء الملک فروغی، تهران، جاویدان، ۱۳۵۱.
- نمازی شاهرودی، علی، *مستدرک سفینه البحار*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ ق.
- سیف علی اکبر، *روان شناسی پرورشی*، تهران، آگاه، ۱۳۸۰.
- شاملی، عباسعلی، *مجموعه مقالات تربیت اخلاقی*، قم، معارف، ۱۳۸۶.
- شرفی محمدرضا، *تربیت اسلامی با تاکید بر دیدگاه‌های حضرت امام خمینی قدس سره*، تهران، پنجره، ۱۳۷۹.
- علاقه بند، علی، *جامعه شناسی آموزش و پرورش*، تهران، بعثت، ۱۳۷۵.
- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- گینات هایم، *روابط معلم و دانش آموز*، ترجمه : سیاوش سرتیپی، تهران فاخته ۱۳۷۵.
- نوری طبری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، قم، ۱۳۶۹، ج ۲.
- مظلومی، رجب علی، *گامی در مسیر تربیت اسلامی*، تهران، آفاق، ۱۳۸۸.